

اصول و مبانی

امور فطری

www.ketab.ir

احمد ابوترابی

انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

۱۳۹۶

www.ketab.ir

| | |
|----------------------|---|
| سرشناسه | : ابوترابی، احمد، ۳۴۱ - |
| عنوان و نام پدیدآور | : اصول و مبانی امور فطری / احمد ابوترابی. |
| مشخصات نشر | : قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، انتشارات، ۱۳۹۶. |
| مشخصات ظاهری | : ۷۲۰ ص. |
| فروست | : انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)؛ ۱۳۰۵. فلسفه؛ ۱۹۲. |
| شابک | : ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۰۷۵-۲ |
| وضعیت فهرست‌نویسی | : فیبا. |
| یادداشت | : کتابنامه. |
| موضوع | : فطرت. |
| موضوع | : Constitution (Philosophy) |
| موضوع | : معرفت‌های ذاتی. |
| موضوع | : Innate ideas (Philosophy) |
| موضوع | : فطرت -- جنبه‌های قرآنی. |
| موضوع | : Constitution (Philosophy) -- Qur'anic teaching* |
| شناسه افزوده | : مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). انتشارات. |
| رده‌بندی کنگره | : الف۲الف BP۲۱۶/۵ |
| رده‌بندی دیویی | : ۲۹۷/۴۲ |
| شماره کتاب‌شناسی ملی | : ۴۷۱۷۳۱۶ |



شماره ردیف ۱۳۰۵
شماره موضوعی ۱۹۳-فلسفه
۱۳۹۶-۳۵

اصول و مبانی امور فطری

● مؤلف: احمد ابوترابی

● ناشر: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام

● چاپ: پاپيروس

● نوبت چاپ: اول

● تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۹۶

● قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

● دفتر مرکزی: قم، خیابان شهداء کوی ممتاز، پلاک ۳۸

● تلفن و نمابر: ۰۲۵-۳۷۷۴۲۳۲۶

● شعبه تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان ۱۲ فروردین و شهید منیرى جاوید، ساختمان شماره ۳۱۰، طبقه سوم، واحد ۱۱۲

● تلفن و نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۶۶۱۲۱

● شعبه مؤسسه امام خمینی (ره): قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

● تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۳۶۲۹

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۰۷۵-۲

فهرست مطالب

| | | |
|----|-------|---|
| ۲۱ | | مقدمهٔ معاونت پژوهش |
| ۲۵ | | پیشگفتار |
| ۲۶ | | اهمیت موضوع |
| ۲۶ | | تاریخچهٔ تحلیلی |
| ۲۷ | | نخستین خاستگاه موضوع |
| ۲۷ | | خاستگاه روش تحقیق |
| ۲۹ | | ویژگی‌ها و ملاک صدق فطریات |
| ۲۹ | | مشکلات و ابهامات |
| ۳۰ | | خطاهای مفهومی در واژهٔ فطری |
| ۳۲ | | انگیزهٔ اصلی تدوین |
| ۳۲ | | ارجاعات مختصر در برخی منابع |
| ۳۳ | | سپاس |
| | | فصل نخست: مفهوم‌شناسی واژه‌های «فطرت» و «فطری» |
| ۳۶ | | مقدمه |

- ۳۶..... اهمیت تبیین مفاهیم
- ۴۰..... ریشه‌های خلط مفاهیم
- ۴۲..... شیوه‌های مفهوم‌شناسی
- ۴۴..... معانی لغوی فطر، فطرت و فطری
- ۴۵..... معنای لغوی قَطَرَ
- ۴۷..... معنای لغوی فطرت
- ۴۸..... عام‌ترین مفهوم فطری
- ۴۹..... «قَطَرَ» و «فَطَرَ» در قرآن کریم
- ۵۱..... «فطرت» در روایات
- ۵۴..... «قَطَرَ» و «فطرت» در نهج البلاغه
- ۵۵..... معنای اصطلاحی فطرت (فطری)
- ۵۵..... ۱. سرشتی (معنای اخص)
- ۵۶..... ۲. دین اسلام و سرشت هماهنگ با دین
- ۵۷..... ۳. بدیهی (معنای عام)
- ۵۸..... چند نکته
- ۵۸..... ۴. بدیهی اولی
- ۵۹..... ۵. فطریة القیاس (حاضر بودن حد وسط)
- ۶۱..... ۵-۱. سرّ فطری بودن «فطریات القیاس»
- ۶۱..... ۵-۲. تفاوت «فطریات القیاس» با «اولیات»
- ۶۲..... چهار ویژگی اولیات
- ۶۳..... اشکال

فهرست مطالب □ □ ۷

- ۶۳..... پاسخ
- ۶۴..... اشکال
- ۶۴..... پاسخ
- ۶۴..... ۵-۳. تفاوت «فطریات القیاسات» با «حدسیات»
- ۶۵..... ۵-۳-۱. ویژگی‌های «حد وسط» در فطریات القیاس
- ۶۵..... ۵-۳. ویژگی‌های «حد وسط» در حدسیات
- ۶۷..... نتیجه
- ۶۷..... ۶. جبروت
- ۶۸..... ۷. ارتکازی (مفهوم، مگن)
- ۶۸..... ۸. علم آگاهانه غیراحیائی و بشین
- ۶۹..... جامع مفهومی معانی فطری (برائت‌سای)
- ۶۹..... معنای برگزیده فطری (معنای اخص)
- ۷۰..... چکیده
- فصل دوم: مفهوم‌شناسی «اکتسابی» در «غیر اکتسابی»
- ۷۴..... غیر اکتسابی در لغت
- ۷۵..... عام‌ترین معنای غیر اکتسابی
- ۷۵..... معنای اصطلاحی غیر اکتسابی
- ۷۵..... ۱. غیر اکتسابی در منطق
- ۷۵..... ۱-۱. بی‌نیازی از کسب استدلال (بدیهی به معنای عام)
- ۷۶..... ۱-۱-۱. مصادیق غیر اکتسابی به معنای اول
- ۷۷..... ۱-۱-۲. غیر اکتسابی به اصطلاح علامه حلی

- ۱-۲. بی‌نیازی از استدلال (بدیهیات اولیه)..... ۷۸
- ۱-۳. بی‌نیازی از کسب حد وسط (فطریة القیاس)..... ۷۸
۲. غیراکتسابی به معنای فطری (معنای اخص)..... ۷۹
- بی‌نیازی از هر نوع اکتساب..... ۷۹
۳. غیراکتسابی در عرفان..... ۸۰
- ۳-۱. وجه غیراکتسابی بودن علوم عرفانی..... ۸۱
- ۳-۱. بی‌نیازی از سیر و سلوک عرفانی..... ۸۲
- مراتب غیراکتسابی..... ۸۲
- مرتبه نخست غیراکتسابی به معنای اخص..... ۸۳
- مرتبه دوم: بدیهیات اولیه..... ۸۳
- مرتبه سوم: بدیهیات له معنای عام..... ۸۴
- مرتبه چهارم: فطریات القیاس..... ۸۴
- مرتبه پنجم: حدسیات..... ۸۴
- مرتبه ششم: علوم عرفانی..... ۸۴
- معنای برگزیده «غیراکتسابی»..... ۸۵
- چکیده..... ۸۶

فصل سوم، ویژگی‌های امور فطری

- ویژگی‌های معروف امور فطری و نقد و بررسی آنها..... ۸۸
- غیراکتسابی بودن فطریات..... ۸۸
- بررسی و نقد..... ۸۹
- عمومی بودن فطریات..... ۸۹

| | |
|----|-------------------------------------|
| ۹۰ | بررسی و نقد |
| ۹۴ | تغییرناپذیری فطریات |
| ۹۵ | بررسی و نقد |
| ۹۶ | حاصل سخن |
| ۹۶ | اختصاص فطریات به امور انسانی |
| ۹۷ | همیشگی و همه‌جایی بودن فطریات |
| ۹۸ | چکیده |

فصل چهارم: تفاوت‌های فطرت، غریزه و طبیعت

| | |
|-----|---|
| ۱۰۲ | مقدمه |
| ۱۰۲ | غریزه در لغت |
| ۱۰۳ | غریزه در کاربرد |
| ۱۰۳ | غریزه در نهج البلاغه |
| ۱۰۴ | غریزه در کاربردهای عرفی |
| ۱۰۴ | غریزه به معنای اخص (معنای رایج) |
| ۱۰۵ | غریزه در روان‌شناسی |
| ۱۰۵ | تفاوت «غریزه»، «سائق» و «نیاز» |
| ۱۰۶ | ویژگی‌های غریزه از دیدگاه فروید |
| ۱۰۷ | بررسی اجمالی |
| ۱۰۸ | ویژگی‌های معروف امور غریزی و نقد و بررسی آنها |
| ۱۰۹ | ناآگاهانه بودن غرایز |
| ۱۱۱ | پیش‌بینی‌پذیری فعل غریزی |

- ۱۱۱ یک‌نواختی غریزه در حیوانات.....
- ۱۱۲ تفاوت فطرت و غریزه.....
- ۱۱۳ ۱. تفاوت‌های معروف و نقد و بررسی آنها.....
- ۱۱۳ تفاوت نخست.....
- ۱۱۳ تفاوت دوم.....
- ۱۱۴ تفاوت سوم.....
- ۱۱۵ ۲. دیدگاه برگزیده.....
- ۱۱۵ الف) ابیت «غریزه» و «فطرت».....
- ۱۱۶ ب) تفاوت‌های فطرت و غریزه.....
- ۱۱۶ تفاوت نخست.....
- ۱۱۷ تفاوت دوم.....
- ۱۱۸ تفاوت سوم.....
- ۱۱۸ ج) تفاوت فطرت و طبیعت.....
- ۱۱۹ چکیده.....

فصل پنجم: تقسیم‌های فطرت و فطری

- ۱۲۲ مقدمه.....
- ۱۲۳ تقسیم‌های فطرت.....
- ۱۲۳ ۱. تقسیم فطرت به زیستی و روحی.....
- ۱۲۴ بررسی.....
- ۱۲۵ ۲. تقسیم فطرت به فطرت دل و فطرت عقل.....
- ۱۲۶ بررسی.....

۳. تقسیم فطرت به احساسی و ادراکی ۱۲۹
- بررسی ۱۳۰
۴. تقسیم فطرت به فطرت وهم و فطرت عقل ۱۳۰
- ۴-۱. معانی عقل ۱۳۲
- ۴-۲. معانی وهم در فلسفه ۱۳۳
- ۴-۳. مراد از وهم در این تقسیم ۱۳۳
- ۴-۱. توضیح ۱۳۴
- ۴-۵. منشأ ادراک وهمیات صرفه ۱۳۷
- ۴-۶. منشأ بوبر وهمیات ۱۳۸
۵. تقسیم فطرت در دیدگاه ایت‌الله شاه‌آبادی ۱۳۸
- بررسی ۱۳۹
۶. تقسیم فطرت به فطرت روح و فطرت بدن ۱۳۹
- بررسی ۱۴۱
۷. تقسیم فطرت به فطرت خیر و فطرت شر ۱۴۳
- ۷-۱. دلایل قول به فطرت شر ۱۴۴
- ۷-۲. بررسی ۱۴۵
- تقسیم‌های برگزیده فطرت و فطری ۱۴۶
۱. تقسیم فطرت به بینشی، گرایشی، توانشی و سازواری ۱۴۷
- ۱-۱. فطرت بینشی ۱۴۷
- ۱-۲. فطرت گرایشی ۱۴۸
- ۱-۳. فطرت توانشی ۱۴۸

- ۱۴۹..... ۴-۱. فطرت سازوارگی
- ۱۵۰..... ۵-۱. قالب‌های فطری
- ۴۵۱..... ۲. تقسیم فطری به بالقوه و بالفعل
- ۱۵۲..... ۱-۲. معانی قوه در فلسفه
- ۱۵۳..... ۲-۲. مفهوم فطری بالقوه
- ۱۵۴..... چکی

فصل ششم: علوم فطری و تقسیم‌های آن

- ۱۵۸..... معانی مخفف علم
- ۱۵۹..... ۱. مطلق گامی
- ۱۶۰..... ۲. علم حصولی
- ۱۶۰..... ۳. تصدیق
- ۱۶۰..... ۴. تصدیق جازم
- ۱۶۱..... ۵. تصدیق جازم مطابق با واقع
- ۱۶۱..... ۶. تصدیق جازم مطابق با واقع ثابت
- ۱۶۲..... مراد از «علم» در «علوم فطری»
- ۱۶۲..... معنای برگزیده «علوم فطری»
- ۱۶۳..... تقسیم‌های علوم فطری
- ۱۶۴..... معانی «علم ناآگاهانه»
- ۱۶۶..... انواع علم حضوری ناآگاهانه
- ۱۶۸..... عوامل شدت و ضعف علوم حضوری
- ۱۷۰..... اقسام علوم حصولی فطری

۱۷۰..... اقسام علوم فطری تصدیقی

۱۷۲..... چکیده

فصل هفتم: تقسیم‌های علوم از جهت مبدأ زمانی و منشأ وجودی

۱۷۸..... تقسیم‌های علوم

۱۸۲..... نمودار مبدأ و منشأ دانش‌های بشر

۱۸۳..... برخی از ویژگی‌های تقسیم‌ها

۱۸۴..... مصادیق علوم فطری در میان اقسام علوم

۱۸۷..... مصادیق علوم غیرفطری در میان اقسام علوم

۱۸۸..... حاصل سخن

۱۸۹..... چکیده

فصل هشتم: روش‌شناسی در اثبات امور فطری

۱۹۲..... مقدمه

۱۹۳..... راه‌های شناخت امور فطری نزد دکارت

۱۹۴..... ۱. وضوح و تمایز

۱۹۵..... مفهوم واضح و متمایز

۱۹۵..... ۲. اکتسابی نبودن

۱۹۶..... فطری بودن مفهوم «کامل مطلق»

۱۹۷..... مؤلفه‌های مفهومی فطریات

۱۹۷..... بررسی و نقد

۱۹۷..... الف) غیراکتسابی بودن فطریات

۱۹۸..... ب) واضح بودن

- ۱۹۹..... مفهوم بداهت در فلسفه اسلامی
- ۲۰۰..... (ج) متمایز بودن
- ۲۰۲..... (د) شناخت امور فطری از طریق «نیافتن راه اکتساب»
- ۲۰۳..... (ه) اکتسابی بودن مفهوم کامل مطلق
- ۲۰۳..... راه‌های شناخت امور فطری نزد جان لاک
- ۲۰۴..... نقدهای روش‌شناختی لاک بر ادله فطرت‌گرایان
- ۲۰۴..... نقد دلیل نخست (اجماع عام)
- ۲۰۴..... نقد نخست
- ۲۰۵..... نقد دوم
- ۲۰۶..... نقد سوم
- ۲۰۶..... نقد دلیل دوم (وجان)
- ۲۰۷..... نقد دلیل سوم (اقتضای رحمت الهی)
- ۲۰۷..... نقد نخست (پاسخ نقضی)
- ۲۰۷..... نقد دوم (پاسخ حلی)
- ۲۰۸..... ادله لاک بر نادرستی فطرت‌گرایی
- ۲۰۸..... دلیل نخست
- ۲۰۹..... دلیل دوم
- ۲۰۹..... دلیل سوم
- ۲۰۹..... دلیل چهارم
- ۲۱۰..... پاسخ‌های لاک به نقدهای احتمالی
- ۲۱۱..... تعریف و ویژگی‌های امور فطری نزد لاک

- ۲۱۲..... مؤلفه‌های مفهومی امور فطری
- ۲۱۲..... ویژگی‌های دیگر
- ۲۱۳..... بررسی و نقد دیدگاه‌های لاک
- ۲۱۳..... نقد دیدگاه‌های لاک درباره مفهوم فطری
- ۲۱۳..... الف) غیراکتسابی بودن فطریات
- ۲۱۴..... ب) عمومی بودن فطریات
- ۲۱۴..... ج) تغییرناپذیر بودن فطریات
- ۲۱۴..... د) آگاهانه بودن فطریات
- ۲۱۶..... علم فطری تا آگاهانه
- ۲۱۶..... ه) روشن بودن فطریات
- ۲۱۶..... و) بالفعل بودن علم فطری
- ۲۱۷..... ز) مفهوم فطری بودن تصدیقات
- ۲۱۸..... ح) فطری نبودن لوازم عقلی احکام اخلاق
- ۲۱۹..... پاسخ به اشکالات لاک به راه‌های شناخت امور فطری
- ۲۱۹..... الف) ناروا بودن انتساب برخی راه‌ها به فطرت گیان
- ۲۲۰..... ب) نادرستی نقدهای لاک بر اجماع عام
- ۲۲۲..... ج) نادرستی نقد لاک بر دلیل «اقتضای رحمت الهی»
- ۲۲۲..... نتیجه
- ۲۲۳..... راه‌های شناخت امور فطری نزد اندیشمندان مسلمان و بررسی آنها
- ۲۲۳..... ۱. شیوه تجربی - تاریخی
- ۲۲۴..... ۲. شیوه عقلانی

۳. شیوه شهودی ۲۲۵
۴. شیوه نقلی ۲۲۵
- بررسی ۲۲۵
- دیدگاه برگزیده در روش تحقیق در امور فطری ۲۲۶
۱. شناسایی دقیق موضوع تحقیق ۲۲۷
- ۱-۱. توجه به معنا و ویژگی‌های برگزیده ۲۲۷
- ۱-۱. توجه به اقسام فطری ۲۲۸
۲. مراحل تحقیق ۲۳۰
۳. راه‌های اثبات «وجود» گرایش و معرفت ۲۳۲
۴. انواع شناخت وجود ۲۳۲
۵. اثبات امر شهودی بالفعل و آگاهانه در مخاطب ۲۳۳
۶. تعمیم راه‌های شهود بالفعل به شهودهای ناآگاهانه و بالقوه ۲۳۴
۷. اثبات امر شهودی در دیگران ۲۳۴
۸. اثبات شهودهای بالقوه و ناآگاهانه ۲۳۶
۹. اثبات وجود فطرت سازواری ۲۳۷
۱۰. راه‌های دیگر برای اثبات وجود ۲۴۰
۱۱. راه‌های اثبات غیراکتسابی بودن ۲۴۰
- ۱۱-۱. عدم وجدان منشأ اکتساب ۲۴۱
- بررسی ۲۴۱
- ۱۱-۲. راه‌های عقلی اثبات «غیراکتسابی بودن» ۲۴۲
- ۱۱-۲-۱. از راه ماهیت امر درونی ۲۴۲

فهرست مطالب □ ۱۷

- ۲۴۳..... ۱۱-۲-۲. از راه ماهیت عالم
- ۲۴۳..... ۱۱-۳. اثبات از راه کنترل شرایط تجربی
- ۲۴۴..... بررسی
- ۲۴۵..... ۱۱-۴. راه مرجعیت دینی
- ۲۴۶..... ۱۲. راه‌های اثبات عمومی بودن
- ۲۴۶..... ۱۲-۱. ملازمه عقلی با غیراکتسابی بودن
- ۲۴۷..... ۲-۱. تحلیلی بودن ادعا
- ۲۴۷..... بررسی
- ۲۴۷..... ۱۲-۳. تمسک به ملاک تفاوت انواع
- ۲۴۸..... بررسی
- ۲۴۸..... ۱۲-۴. اثبات تجربی
- ۲۴۹..... بررسی
- ۲۵۰..... ۱۲-۵. استقرای تام
- ۲۵۰..... ۱۲-۶. استقرای تاریخی
- ۲۵۰..... بررسی
- ۲۵۱..... ۱۲-۷. استناد به آموزه‌های دینی
- ۲۵۲..... ۱۳. راه‌های اثبات تغییرناپذیری
- ۲۵۲..... ۱۳-۱. اثبات تجرد
- ۲۵۲..... بررسی
- ۲۵۳..... ۱۳-۲. تغییر ماهیت
- ۲۵۳..... بررسی

- ۲۵۴ ۱۳-۳. مراجعه به آموزه‌های دینی
- ۲۵۵ ۱۴. راه‌های اثبات هماهنگی با فطرت
- ۲۵۶ ۱۵. راه‌های اثبات فطری نبودن
- ۲۵۷ امکان اکتساب فطریات
- ۲۵۸ چکیده

فصل نهم: واقع‌نمایی و ملاک صدق امور فطری

- ۲۶۲ مستند موضوع
- ۲۶۳ مراد از واقع‌نمایی امور فطری
- ۲۶۴ دیدگاه‌ها
- ۲۶۵ ۱. دیدگاه برخی فیلسوفان غرب
- ۲۶۵ ۱-۱. واقع‌نمایی مبانی بر پایه آوری (دیدگاه افلاطون)
- ۲۶۶ بررسی و نقد
- ۲۶۶ ۱-۲. واقع‌نمایی بر اساس تمثیل خدا در انسان (دیدگاه دکارت)
- ۲۶۸ ۱-۲-۱. تقریر استدلال
- ۲۶۸ ۱-۲-۱. بررسی و نقد
- ۲۶۹ ۱-۳. واقع‌نمایی بر اساس عدم فریب‌کاری خداوند (دیدگاه دکارت)
- ۲۷۰ ۱-۳-۱. تبیین استدلال
- ۲۷۰ ۱-۳-۲. اشکالات دکارت
- ۲۷۰ اشکال نخست
- ۲۷۰ پاسخ
- ۲۷۱ اشکال دوم

- ۲۷۲..... پاسخ
- ۲۷۳..... ۱-۳-۳. امکان خطا در معارف بشری
- ۲۷۳..... بررسی و نقد
- ۲۷۴..... پاسخ
- ۲۷۴..... نقد پاسخ
- ۲۷۶..... ۱-۴. واقع‌نمایی استعلایی مفاهیم پیشین (دیدگاه کانت)
- ۲۷۷..... بررسی و نقد
- ۲۷۸..... ۲. دیدگاه اندیشمندان مسلمان
- ۲۷۸..... ۲-۱. دلایل واقع‌نمایی فطریات
- ۲۷۹..... ۲-۱-۱. واقع‌نمایی بر اساس حکمت الهی
- ۲۷۹..... الف) تقریر صدرالتألهی
- ۲۸۰..... ب) تبیین چند نکته
- ۲۸۱..... بررسی و نقد
- ۲۸۲..... ۲-۲. واقع‌نمایی بر اساس «شرافت ویزا انسان»
- ۲۸۳..... ۲-۲-۱. تقریر استدلال
- ۲۸۴..... ۲-۲-۲. بررسی و نقد
- ۲۸۵..... ۲-۳. واقع‌نمایی بر اساس «مطابقت صورت انسان با خدای معال»
- ۲۸۷..... ۲-۳-۱. تقریر استدلال
- ۲۸۷..... ۲-۳-۲. بررسی و نقد
- ۲۸۷..... ۲-۴. واقع‌نمایی مبتنی بر یادآوری «عالم ذر»
- ۲۸۸..... بررسی و نقد

- ۲-۵. واقع‌نمایی از طریق قاعده «المتضایفان متکافئان...» ۲۹۰
- ۲-۵-۱. دیدگاه امام خمینی * ۲۹۰
- ۲-۵-۲. تقریر استدلال امام خمینی * ۲۹۲
- ۲-۵-۳. بررسی و نقد ۲۹۴
- ۲-۵-۴. تقریر برگزیده از دیدگاه امام خمینی * ۲۹۸
۳. جمع‌بندی نقد دیدگاه‌ها ۲۹۹
۱. دیدگاه برگزیده ۲۹۹
- واقع‌نمایی کرایش‌های فطری حضوری ۳۰۰
- واقع‌نمایی دانش‌های فطری حضوری ۳۰۱
- واقع‌نمایی دانش‌های فطری حصولی ۳۰۱
- دلالت «فریب‌کار نبین خداوند» بر واقع‌نمایی ۳۰۲
- توضیح ۳۰۲
- چکیده ۳۰۴
- منابع ۳۰۷
- فهرست فارسی و عربی ۳۰۷
- منابع انگلیسی ۳۱۹
- نمایه‌ها ۳۲۱

مقدمه معارف پژوهش

حقیقت اصیل ترین، پهلوانانه ترین و زیباترین راز هستی و نیاز آدمی است که سلسله مؤمنان و ایمان صادق چه جانها که در راه آن نباخته، و جاهلان و باطل پرستان چه ترطه‌ها و ترفندها که برای محو و مسخ آن نساخته‌اند. چه تلخ واقعی است سلویت حقیقت، و چه شیرین حقیقتی است این واقعیت که در مصاف سمیت حق و باطل، حق سر بلند و سرفراز است و باطل از بین رفتنی و ننگون‌ساز این والا و بالانشینی حقیقت، گذشته از سرشت حق، وام‌دار ترسش‌های خالصانه و پایان‌ناپذیر حقیقت‌جویانی است که در عرصه نظر و عمل کمر همت محکم بسته و از دام و دانه دنیا رسته‌اند، و در این میان نقش‌رسانان ادیان و پیامبران الهی، و به‌ویژه اسلام و پیامبر اکرم ﷺ و جانشینان برحق و گرامی او ﷺ، برجسته‌ترین است.

دانشمندان نام‌آور شیعه رسالت خطیر و بی‌نظیر خویش را بهره‌گیری از عقل و نقل و غوص در دریای معارف قرآن و برگرفتن گوهر ناب حقیقت از سیره آن پیشوایان و عرضه آن به عالم بشری و دفاع جانانه

در برابر هجوم ظلمت پرستان حقیقت‌گریز دانسته و در این راه دیده‌ها سوده و جان‌ها فرسوده‌اند. اکنون در عصر بحران معنویت که دشمنان حقیقت و آدمیت هر لحظه با تولید و انتشارِ فزون از شمارِ آثار نوشتاری و دیداری و به‌کارگیری انواع ابزارهای پیشرفته سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه‌های گوناگون برای سیطره بر جهان می‌کوشند، رسالت حقیقت‌خواهان و اندیشمندان حوزوی و دانشگاهی، به‌ویژه عالمان دین، بس عظیم‌تر و سخت‌دشواری‌تر است.

در جهان نوین، پژوهشگران حوزوی در علوم فلسفی و کلامی، تفسیری و حدیثی، فقهی و اصولی و نظایر آن کارنامه درخشانی دارند، و تأملات ایشان بر تالیفات پژوهش‌های اسلامی می‌درخشد. در زمینه علوم طبیعی و تجربی و فناوری‌های جدید نیز پژوهشگران ما تلاش‌هایی چشمگیر کرده، گام‌هایی نویدبخش برداشته و به جایگاه درخور خویش در جهان نزدیک شده‌اند، و می‌کوشند با بافعالیت‌های روزافزونشان مقام شایسته خویش را در صحنه علمی بین‌المللی باز یابند. ولی در قلمرو پژوهش‌های علوم اجتماعی و انسانی تلاش‌های دانشمندان این مرزوبوم آن‌گونه که شایسته نظام اسلامی است به بار ننشسته و آن‌گاه به ترجمه و اقتباس نظریات دیگران بسنده کرده‌اند. در این زمینه کمتر می‌توان ردپای ابتکارات و به‌ویژه خلاقیت‌های برخاسته از مبانی اسلامی را یافت و تا رسیدن به منزلت مطلوب راهی طولانی و پرچالش درپیش است. از این رو، افزون بر استنباط، استخراج، تفسیر و تبیین آموزه‌های دینی و سازمان‌دهی معارف اسلامی، کاوش در مسائل علوم انسانی و اجتماعی از

دیدگاه اسلامی و تبیین آنها از مهم‌ترین اهداف و اولویت‌های مؤسسات علمی به‌ویژه مراکز پژوهشی حوزه‌های علمیه است.

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی* در پرتو تأییدات رهبر کبیر انقلاب اسلامی و حمایت‌های بی‌دریغ خلف صالح وی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «مدظله‌العالی» از آغاز تأسیس براساس سیاست‌ها و اهداف ترسیم‌شده از سوی حضرت آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی «دامت برکاته» به امر پژوهش‌های علمی و دینی اهتمام داشته و در مسیر برآوردن نیازهای فکری و دینی جامعه، به پژوهش‌های بنیادی، کاربردی پرداخته است. معاونت پژوهش مؤسسه برای تحقق این مهم، افزون بر برنامه‌ریزی و هدایت دانش‌پژوهان و پژوهشگران، در زمینه نشر آثار محققان نیز کوشیده و بحمدالله تاکنون آثار ارزنده‌ای را در حد توان خود به جامعه اسلامی تقدیم کرده است.

کتاب پیش روی، پژوهشی است در بنمرو امور فطری که با تلاش پژوهشگر ارجمند حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر احمد ابوترابی نگارش یافته است. هدف اصلی نویسنده ارائه اصول، مبانی و پیش‌داستان‌هایی است که توجه و بهره‌گیری از آنها برای هر پژوهشی در باب امور فطری لازم است.

معاونت پژوهش از مؤلف محترم و حجت‌الاسلام والمسلمین محمد حسین زاده یزدی و جناب آقای عباس عارفی که با مطالعه و ارائه نظرهای سودمندشان، بر اتقان و غنای اثر افزوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌کند و توفیق روزافزون ایشان را از خداوند منان خواستار است.

معاونت پژوهش

مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی*

پیشگفتار

سپاس بی‌کران پروردگاری را شاید که هیچ بنده‌ای را از معرفت خویش محروم نگردد و انسان‌ها را چنان آفرید که همه آنها، اعم از عالم و عامی، و مؤمن و مُلحد، از درون و برون به او معرفت یابند و آگاهانه و ناخودآگاه به او برآیند و در نهایت اندیشه خویش و در ژرفای ذات و صفای باطن، و در کمال انقطاع، جز او را نجویند و نیابند و نخواهند و نخوانند؛ و خواسته یا ناخواسته، برترین خضوع و خشوع خود را جز برای او شایسته ندانند.

شکر این نعمت را چگونه می‌توان به جسی آورد، که در اعلا مرتبه خویش بنده ضعیف، را از درونش، با خود پیوسته داد؛ و در بیرون آن را به وسیله حجت‌های ظاهر و باطن استوار فرمود؛ با عقل ما را به رسالت، و با رسالت به مسیر ولایت، و با همه ما را به راه هدایت رهنمون ساخت و انسان را از وجود پربرکت و نورانی فرستادگان پاک خویش، به ویژه پیامبر اعظم ﷺ و پیشوایان و جانشینان معصوم او علیهم‌السلام بهره‌مند کرد.

اهمیت موضوع

در میان راه‌های هدایت، راه فطرت از مبنایی‌ترین، عمومی‌ترین و آسان‌ترین راه‌های پیش روی انسان است. از این‌رو، بررسی و پژوهش در این باره بسیار اهمیت دارد؛ به‌ویژه آنکه پژوهش و واکاوی امور فطری و دانش‌های غیراکتسابی، از موضوعاتی است که رشته‌های بسیاری از دانش‌های بشری آن را از مبانی یا مسائل خود به‌شمار می‌آورند.

پس از روان‌شناسان، تصمیم‌گیری درباره نقش فطرت در ساختار روح انسان را از مسائل بنیادین خود می‌دانند. البته برخی نقش آن را در صفات و رفتارهای انسان به‌کلی انکار می‌کنند، و برخی دیگر در میزان تأثیر آن، تا آنجا پیش می‌روند که سنجش شخصیت و رفتارهای انسان را امور فطری می‌دانند. جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان نیز به اهمیت ویژه این موضوع در تحلیل‌های خود باور دارند و به بررسی و نقد آن می‌پردازند.

در علم کلام قدیم و فلسفه دین و در متون دینی اسلام و در آیات و روایات نیز بحث درباره فطریات به صورت جدی مطرح شده و در منطق و فلسفه، به‌ویژه دانش معرفت‌شناسی، موضوع علوم فطری اهمیت بسیار دارد. به‌علاوه، در علم حقوق، اقتصاد، انسان‌شناسی و زبان‌شناسی نیز می‌توان نقش این موضوع را نادیده گرفت؛ بلکه شاید به‌طور کلی بتوان گفت این موضوع یکی از مبانی یا یکی از مسائل همه رشته‌های علوم انسانی است.

تاریخچه تحلیلی

اگر با نگاهی تحلیلی به نحوه ورود موضوع «فطرت» به مجموعه معارف

بشری بنگریم، خواهیم یافت که ریشه‌یابی گرایش‌ها و دانش‌های بشری، اندیشمندان، به‌ویژه فیلسوفان را به این حقیقت ره نموده است که برخی از آنها به گونه‌ای هستند که به آسانی نمی‌توان گفت حس و عقل و محاسبات انسانی، در دستیابی به آنها نقشی داشته یا از تعلیم و تلقین دیگران به دست آمده‌اند.

نخستین خاستگاه موضوع

بُن‌بستِ دستیابی به آنها برخی شناخت‌ها، زمینه‌ی طرح این نظریه را فراهم کرد که دسته‌ای از گرایش‌ها و دانش‌ها، در نهاد انسان جای دارند و گویا آفریننده‌ی عالم آنها را با آفرینش انسان همراه و همزاد ساخته، یا آنها را در اصل آفرینش انسان فراهم داده است، یا افراد بشر، پیش از پا گذاشتن به این جهان، آنها را در چیزی دیگر به دست آورده و با خود به این دنیا منتقل کرده‌اند.

خاستگاه روش تحقیق

این برداشت، نه‌تنها نخستین زمینه‌ی فکری دیدگاهی به نام «فطرت‌گرایی» را فراهم آورد، بلکه نخستین زمینه‌ی دستیابی به روش تحقیق در علوم فطری را نیز ایجاد کرد؛ زیرا هر دانشی از دانش‌های بشری که برای آن منشائی در علوم عقلی یافت نمی‌شد و اندامی از اندام‌های حسی آن را ادراک نمی‌کرد و تعلیم و تلقین و القایی از دیگران برای آن به یاد نمی‌آمد، علوم فطری شمرده می‌شد.

در این مرحله (نقد و انکار)، دعوی فطری بودن برخی گرایش‌ها و دانش‌ها نیز آسان می‌نمود؛ زیرا گمان می‌شد پیشنهاد فطری بودن هر گرایش یا معرفت را با معیار مراجعه و تأمل در درون می‌توان سنجید: اگر از دانش یا گرایش خاصی، اثری در درون یافت نشود یا مخاطب بتواند منشائی برای اکتساب آن بیابد، آن دانش و گرایش از حوزه علوم و گرایش‌های فطری خارج می‌شود؛ و شاید تعریف علوم فطری به «دانش‌های پیشین، بالفعل و آگاهانه»، مربوط به این مرحله از تفکر بشر باشد.

اما آیا به راستی می‌توان چنین زمینه‌هایی را دلیل کافی برای پذیرش امور فطری دانست؟ آیا نیاتن منشأ یا به یاد نیاوردن تعلیم و تلقین چیزی، دلیل همراه بودن آن با آفرینش است؟ آیا ممکن نیست زمان و چگونگی اکتساب اموری را به یاد نیاوریم اما منشأ اکتساب‌هایی پیچیده را تشخیص ندهیم، اما در واقع آن امور با اکتساب برای ما حاصل شده باشند؟

از سوی دیگر، آیا نیافتن در درون، دلیل فطری نبودن است؟ آیا ممکن نیست امری بالفعل و آگاهانه ادراک نشود، اما حقیقتاً در درون ما باشد و برای فعلیت یافتن، نه به اکتساب، بلکه تنها به شرایطی نیاز داشته باشد؟ به دیگر سخن، آیا امکان ندارد که امری فطری، اما بالقوه و ناآگاهانه باشد؟

آیا شیوه‌هایی که فیلسوفان غرب یا اندیشمندان مسلمان برای اثبات دانش‌ها و گرایش‌های فطری مطرح کرده‌اند، اتقان کافی دارند؟ و اگر واقعاً این راه‌ها برای اثبات و نفی امور فطری کافی نیستند، با کدام روش می‌توان به تحقیق در امور فطری پرداخت؟

ویژگی‌ها و ملاک صدق فطریات

ارتباط فطریات با اصل آفرینش، دست‌کم دو نتیجه طبیعی برای اندیشمندان داشت:

یکی اینکه چون عموم افراد یک نوع، معمولاً تفاوت روشنی در آفرینش ندارند و به علاوه امور مادرزادی و وراثتی به آسانی قابل تغییر و تبدیل نیستند، نظریه پردازان دربارهٔ امور فطری به این نتیجه رسیدند که باید سه ویژگی «غیراکتسابی بودن»، «همگانی بودن» و «تغییرناپذیر بودن» را از ویژگی‌های اساسی و جدایی‌ناپذیر امور فطری به شمار آورند؛ از سوی دیگر، ارتباط امور فطری با اصل آفرینش، نسبتی را میان امور فطری با «آفریننده عالم» ایجاد می‌کند؛ و چون آفریننده عالم دانا، حکیم، صادق، امین و راهنما به سوی حقایق است، فطرت‌گرایان خدا باور به آسانی نمی‌توانند باور کنند که در میان گرایش‌ها و دانش‌های فطری، امری نامنتطب با واقع و گمراه کننده وجود داشته باشد. از این رو، معمولاً دانش‌های فطری را دانش‌هایی صادق و گرایش‌های فطری را راهنما به سوی خیر و صلاح و واقعیات عالم می‌دانند؛ چنان‌که «رنه دکارت»، فیلسوف فطرت‌گرای فرانسوی، اساس معرفت را همه حقایق عالم را بر علوم فطری می‌گذارد و علوم فطری را مطابق با واقع و صادق، بلکه از روشن‌ترین معارف بشری به شمار می‌آورد.

مشکلات و ابهامات

این دو نتیجه نیز با پرسش‌هایی جدی روبه‌روست: آیا مراد از همگانی

بودن امور فطری، همگانی بودن نسبت به نوع است یا جنس؟ آیا لازمهٔ عمومی بودن امور فطری برای انسان‌ها این است که حتی عقب‌ماندگان ذهنی و انسان‌هایی که مدنیت را به‌کلی درک نکرده و حتی زیبایی را نیاموخته‌اند و در درون جنگل‌ها به صورت اولیه زندگی می‌کنند، امور فطری را ادراک کنند؟ آیا هیچ نصابی برای انسانیت و برای درک امور فطری لازم نیست؟ افزون بر اینها، چه ملازمه‌ای عقلی میان فطری بودن و عمومی بودن وجود دارد؟!

در باب تغییرپذیر بودن امور فطری نیز دست‌کم پرسش اخیر وجود دارد. یعنی می‌توان پرسید ملازمهٔ میان «همراه بودن با آفرینش» و «تغییرناپذیر بودن» چگونه اثبات شده است؟ دربارهٔ صدق و ملاک صدق امور فطری نیز پرسش‌های متعددی را می‌توان مطرح ساخت؛ از جمله اینکه صدق گرایش‌ها به چه معناست؟ اگر صدق گرایش به معنای وجود متعلق بیرونی گرایش است آیا چنین ادعایی قابل اثبات است؟ و آیا ادلهٔ آن استحکام لازم را دارد؟ و آیا صرف اینکه خدای متعال تصورات یا تصدیقات یا شهودهایی را در انسان قرار داده، برای اثبات مطابقت آنها با واقع کافی است؟

خطاهای مفهومی در واژه فطری

از اینها گذشته، ورود به بحث فطرت، پژوهشگران را با این مشکل روبه‌رو خواهد کرد که بسیاری از نظریه‌پردازان در موضوع فطرت، گویا توجه نکرده‌اند که دربارهٔ موضوعی واحد سخن نمی‌گویند و بر

سر مسئله‌ای واحد نزاع ندارند. برخی مرادشان از امور فطری، اموری است که هیچ منشأ اکتسابی ندارند؛ گروهی دیگر، در کاربرد این واژه به اموری اشاره دارند که از بدیهیات عقلی‌اند؛ و برخی آن را به معنای معارف استدلالی روشن (فطریة القیاس) به کار برده‌اند. شگفت‌انگیزتر اینکه گاهی یک نظریه پرداز در یک متن و در یک پژوهش، این واژه را به معانی مختلفش به کار برده و بر اساس آن، به اثبات یا انکار فطریات پرداخته است.

البته شاید گمان کرده‌اند معنای واژه فطرت و فطری به قدری روشن است که هر پژوهش درباره مفهوم این واژه، کاری بیهوده است؛ درحالی که این واژه در دانش‌های مختلف و حتی در یک دانش، به معانی مختلفی به کار رفته است و بر اساس پی‌جویی نگارنده، هشت معنا دارد، و زمینه خلط این معانی، اندک نیست.

البته می‌توان به ایشان حق داد که آن را روشن بدانند؛ چراکه فطری را همگان به معنای غیراکتسابی می‌دانند و در این معنا تردید و اختلافی نیست؛ اما مراجعه به منابع علوم عقلی به روشنی نشان می‌دهد که واژه «غیراکتسابی» نیز خود دارای معانی باکمی مراتب مختلف و بسیاری است، و بر اساس پی‌جویی نگارنده، شش معنا دارد و زمینه خلط این معانی نیز اندک نیست. بدون تفکیک این واژه‌ها و تعیین محل بحث درباره آنها در فطرت، هیچ پژوهشی در این باره دقیق و درخور اعتماد نخواهد بود.

این پرسش‌ها و ابهامات به روشنی نشان می‌دهند که پیش از پرداختن

به اثبات و نفی امور فطری، باید «اصول و مبانی پژوهش در امور فطری» را روشن ساخت؛ و هر پژوهشی در فطرت، بدون تصمیم‌گیری دربارهٔ چنین اصول و مبانی‌ای، غیردقیق خواهد بود.

انگیزهٔ اصلی تدوین

توجه به این مشکلات، نگارنده را بر آن داشت که در آستانهٔ پژوهش در امور فطری، نخست مبادی تصویری و تصدیقی مربوط به امور فطری را بیابد و در حد وسع و توان، آنها را بررسی کند؛ و بر اساس آن اصول و منابع، به «بررسی امور فطری» بپردازد. از این‌رو، نخست این کتاب، یعنی کتاب اصول و مبانی امور فطری را به رشتهٔ تحریر درآورد؛ و پس از آن، در کتابی دیگر به نام علام و امری نزد فیلسوفان غرب و اندیشمندان مسلمان، به بررسی امور فطری پرداخت. کتاب دوم نیز بحمدالله نگارش یافته و امید است به‌زودی به مرحلهٔ انتشار برسد.

ارجاعات مختصر در برخی منابع

شایان ذکر است با توجه به کاربرد زیاد برخی از منابع و حوالانی بودن مشخصات آنها، ارجاعات آنها در پاورقی به اختصار بیان شده است، یعنی نام کتاب و نام پدیدآور آن آثار تلخیص شده، و نام مصحح، محقق و... و محل درج منبع در آنها ذکر نشده است.

منابعی که از زبان فارسی و عربی به اختصار بیان شده‌اند عبارتند از: نهج البلاغه با ترجمهٔ محمد دشتی؛ النهایه از ابن‌اثیر؛ الاشارات و التنبیها،

برهان شفا، و الهیات شفا از ابن سینا؛ معجم مقاییس اللغه از ابن فارس، مفردات راغب؛ آثار سهروردی (مندرج در مجموعه مصنفات)؛ بحار الانوار مجلسی و سفینه البحار حاج شیخ عباس قمی؛ و در آثار انگلیسی آثار دکارت، لاک و کانت در ارجاعات به اختصار آورده شده‌اند.

سپاس

خداوند منن را به خاطر همه توفیقات، به‌ویژه توفیق تدوین این دو اثر که به این هدهد اچیز و ناشایسته خود ارزانی فرمود، سپاس می‌گویم و عنایات و مراقبت‌های بقیه‌الله، امام زمان را قدر دانم؛ به‌ویژه به سبب بهره‌مندی‌ام از وجود استادانی گران‌قدر، بالخصوص مفسر، فقیه و فیلسوف متأله و علامه فرزانه، حضرت آیت‌الله مصباح یزدی رحمته‌الله که سال‌ها از محضر پرچودمان بهره علمی و معنوی برده‌ام و همه آثار علمی‌ام را به نحوی مرمون و حرد پربرکت معظم‌له می‌دانم. از خدای متعال برای این نعمت بزرگ دوران، طول عمر همراه با سلامت، و توفیقات بیشتر می‌طلبم.

آشنایی با استاد عالم و عارف، حضرت آیت‌الله علی‌عابدی شاهرودی، و بهره‌مندی از معنویات و نکته‌سنجی‌های ارزشمند علمی ایشان در این نوشته، و بهره‌مندی علمی و معنوی‌ام از استاد اندیشمند، حضرت آیت‌الله غلامرضا فیاضی حفظهما الله تعالی از آغاز آشنایی‌ام با معارف عقلی تاکنون، و بذل توجهات ویژه و ریزنگری‌های ایشان در این نوشته نیز از توفیقات ویژه این‌جانب بوده است که به سبب آنها خدا را

شاکرم؛ و برای این دو گوهر گرانمایه نیز از خدای متعال عمر طولانی، سلامت و توفیقات بیشتر می‌خواهم.

همچنین از همه دوستان و سروران عزیزى که با مطالعه این نوشته، نکات ارزشمندی را برای تکمیل و اصلاح آن یادآوری کردند، سپاسگزارم و برای همه آنها آرزوی توفیق بیشتر می‌کنم.

مدوام این اثر ناچیز مقبول درگاه ایزد منان قرار گیرد و از عنایات ویژه حضرت ولی عصر عج برخوردار شود و در تبیین معارف دینی و آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام عصمت و طهارت علیهم‌السلام اثرگذار باشد.

احمد ابوترابی

بهار ۱۳۹۶